

A Cognitive Grammar Analysis of the Meanings of the Postposition /pad/ in Middle Persian

Abstract:

Within the framework of Cognitive Grammar, concepts of trajector and landmark elements play a central role in understanding relational meaning and the "figure-ground" organization in linguistic expressions. These concepts, initially introduced by Langacker (1991/2008), describe the roles of participants in a conceptual relationship. This paper examines the meaning of the postposition /pad/ in Middle Persian within this framework. To achieve this goal, all Middle Persian expressions in which /pad/ occurred were extracted from the Parsig Corpus and analyzed. In Middle Persian, this word appeared 2,456 times. The results indicate that /pad/ conveyed five distinct meanings: "in/within" (the most frequent meaning), "accompaniment," "down," "through," and "cause-effect relation" (the least frequent meaning), all of which reflect a different cognitive framework among Middle Persian speakers compared to Modern Persian speakers. These results are also compared with the related languages of Greek, Sanskrit, and Latin, showing a similar transformation in meaning in comparison with Persian.

Keywords: Middle Persian, Cognitive Grammar, trajector, landmark, /pad/

طرحواره‌های شناختی معانی حرف اضافه /pad/ در فارسی میانه

پویا شهریاری راد، دانشجوی دکتری علوم شناختی-زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

Shahriarirad.pouya@mail.um.ac.ir

اعظم استاجی (نویسنده مسئول)، دانشیار گروه زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

estagi@um.ac.ir

علی ایزانلو، استادیار گروه زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

aliizanloo@um.ac.ir

حسینعلی مصطفوی گرو، دانشیار گروه زبان روسی دانشگاه فردوسی مشهد

hmostafavi@mail.um.ac.ir

چکیده

در چارچوب دستور شناختی، مفاهیم متحرک و مکان‌نما نقشی محوری در فهم معنای رابطه‌ای و سازمان «نما-زمینه» در عبارات زبانی دارند. این مفاهیم که نخستین بار توسط لانگاکر (1991/2008) مطرح شدند، نقش‌های مشارکان را در یک رابطه مفهومی توصیف می‌کنند. این مقاله به بررسی مفهوم حرف اضافه /pad/ در فارسی میانه در این چارچوب می‌پردازد. برای نیل به این مقصود، تمامی عبارات فارسی میانه که در آن /pad/ به کار رفته بود از پیکره پارسیگ استخراج و بررسی شدند. در پیکره مورد نظراین واژه ۲۴۵۶ مرتبه تکرار شده است. نتایج به دست آمده نشانگر آن است که /pad/ پنج مفهوم «در/توی» (پرکاربردترین مفهوم)، «همراهی»، «پایین»، «از طریق»، و «علت-معلول ساز» (کم کاربردترین مفهوم) داشته است که همگی نمایانگر مفهوم‌سازی متفاوت ذهنی گویشوران فارسی میانه نسبت به گویشوران فارسی نو است. این نتایج با زبان‌های یونانی، سنسکریت، و لاتین به مثابه زبان‌های هم‌خانواده فارسی نیز مقایسه شده‌اند و نشانگر دگرگونی مشابهی با فارسی هستند.

واژگان کلیدی: دستور شناختی، متحرک، مکان‌نما، فارسی میانه /pad/

دستور شناختی^۱ چارچوبی نظری در حوزه زبان‌شناسی شناختی است که زبان را بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام شناختی انسان می‌داند، نه نظامی مستقل و صرفاً صوری. این نظریه که در آغاز معرفی در دهه ۱۹۸۰ دستور فضا^۲ نام داشت، توسط رونالد لانگاکر^۳ پایه‌گذاری شد. این نظریه بر این فرض استوار است که ساخت‌های زبانی ترکیب‌هایی نمادین هستند که دو قطب معناشناختی و آوایی را به یکدیگر پیوند می‌دهند (Langacker, 1991: 1-3). در این رویکرد، نحو مستقل از معنا وجود ندارد؛ بلکه الگوهای دستوری از فرایندهای عمومی شناختی مانند مقوله‌بندی^۴، تصویرسازی ذهنی و توجه پدید می‌آیند. بدین ترتیب، دستور نه مجموعه‌ای از قواعد انتزاعی بلکه بازتابی از نحوه مفهوم‌سازی^۵ و بیان تجربه توسط انسان است.

یکی از اصول محوری دستور شناختی این است که معنا ماهیتی مفهومی دارد و نه منطقی یا شرط-صدق^۶. بدین معنی که هر بیان زبانی به بازنمایی ذهنی خاصی اشاره دارد که بر پایه تجربه‌های ادراکی و فرهنگی ما شکل می‌گیرد (Palmer, 1996). برخلاف دیدگاه‌های صوری معناشناسی که معنا را از رهگذر روابط منطقی میان گزاره‌ها تعریف می‌کند، دستور شناختی بر مفهوم بازنگری یا تعبیر^۷ ذهنی تأکید دارد؛ یعنی چگونگی انتخاب گوینده در چارچوب‌بندی^۸ و برجسته‌سازی^۹ جنبه‌های مختلف یک صحنه ذهنی (Langacker, 2008/2013: 56). برای نمونه، تفاوت میان دو جمله (۱) و (۲) بازتاب دو منظر ذهنی متفاوت از یک رویداد واحد است که تمرکز توجه را میان دو مشارک جابه‌جا می‌کند:

(۱) گربه روی فرش است.

(۲) فرش زیر گربه است.

دستور شناختی همچنین تمایز شکل-زمینه^{۱۰} برگرفته از روان‌شناسی گشتالت^{۱۱} را وارد تحلیل زبانی می‌کند که در اصطلاح زبانی با مفاهیم متحرک^{۱۲} و مکان‌نما^{۱۳} بیان می‌شود. این تقارن‌ناپذیری، بازتابی از نحوه پردازش اطلاعات مکانی و رابطه‌ای در ذهن انسان است. برای نمونه، در عبارت (۱) که پیشتر گفته شد، گربه متحرک (tj) و فرش مکان‌نما (lm) است. این نوع سازمان‌دهی شناختی نه تنها در روابط فضایی بلکه در ساخت‌های ملکی، کنشی و حتی استعاره‌ای نیز نقش دارد (Talmy, 2000).

ویژگی دیگر دستور شناختی، رویکرد کاربرد-بنیاد^{۱۴} آن است. برخلاف نظریه‌های صوری که دستور را مجموعه‌ای از قواعد ذاتی و ثابت می‌دانند، دستور شناختی معتقد است دانش دستوری از الگوهای استفاده و تعمیم‌های برآمده از تجربه‌های زبانی مکرر شکل می‌گیرد (Bybee et. al, 1994: 11). ساخت‌های زبانی پرتکرار در حافظه شناختی انسان تثبیت می‌شوند و به صورت ساختارهای

¹ Cognitive Grammar

² Space Grammar

³ Ronald Langacker

⁴ Categorization

⁵ Conceptualization

⁶ Truth-Conditional

⁷ Construal

⁸ Framing

⁹ Foregrounding

¹⁰ Figure-Ground

¹¹ Gestalt

¹² Trajectory (tj)

¹³ Landmark (lm)

¹⁴ Usage-Based

دستوری پایدار در می‌آیند. این دیدگاه با یافته‌های روان-زبان‌شناسی که بر نقش تجربه، بسامد و تداعی‌های مفهومی در یادگیری زبان تأکید دارند، هم‌راستا است. از این‌رو، دستور شناختی پلی میان نظریه زبان و روان‌شناسی شناختی برقرار می‌کند.

در مجموع، دستور شناختی مدلی جامع و یکپارچه ارائه می‌دهد که معنا، صورت و شناخت را در قالب یک نظام مفهومی واحد در نظر می‌گیرد. این رویکرد، دستور را به‌عنوان نظامی نمادین و مبتنی بر تجربه بدنمند^{۱۵} انسان بازتعریف می‌کند و نشان می‌دهد که ساختارهای زبانی انعکاس شیوه‌های ادراک و مفهوم‌سازی ما از جهان‌اند. دستور شناختی با تأکید بر مفهوم‌سازی، منظر ذهنی و کاربرد زبانی توضیحی روان‌شناختی‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از زبان ارائه می‌دهد و نفوذ آن در حوزه‌هایی چون معناشناسی، نحو، گفتمان و استعاره چشمگیر است.

همانگونه که گفته شد، از اصول دستور شناختی، تمایز متحرک-مکان‌نما است. این اصل، بازتابی از اصول بنیادین ادراک و توجه انسانی است. انسان‌ها در ادراک بصری تمایل دارند برخی عناصر را به‌عنوان شکل (که پویا، متغیر، و کانونی‌تر است) در برابر زمینه (که نسبتاً ثابت است) درک کنند. لانگاکر (1991) بر این باور است که زبان به‌صورت نظام‌مند^{۱۶} این تمایز توجهی را بازنمایی می‌کند. در ساخت‌های فضایی، ملکی و گذرا، گویندگان توجه شناختی را بیشتر بر یک مشارک متمرکز می‌سازند که متحرک نمایانگر این تمرکز توجه است و مکان‌نما نقش مرجع را دارد.

این اصل در مورد افعال رابطه‌ای، صفت‌ها و حروف اضافه نیز صادق است. یکی از حروف اضافه پرکاربرد در فارسی میانه، حرف اضافه^{۱۷} (با آوانگاری^{۱۸} /pad/ و حرف‌نگاری^{۱۹} PWN) است. در پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش هستیم که این حرف اضافه چه مفهومی داشته و ساختار متحرک-مکان‌نما در آن چگونه عمل می‌کند.

۲- پیشینه پژوهش و مبانی نظری

در این بخش، نخست پیشینه پژوهش و سپس مبانی نظری ارائه می‌شود.

۲-۱- پیشینه پژوهش

تیلور^{۱۹} در کتاب خود (2002) در بررسی جنبه‌های شناختی حروف اضافه، بر اساس آثار لانگاکر، پیشنهاد می‌کند که حروف اضافه باید در ارتباط با مفاهیم فضا و مسیر فهمیده شوند. تیلور بر نقش بدن در درک روابط فضایی تأکید می‌کند و اظهار می‌دارد که حروف اضافه به عنوان گسترش تجربیات بدنمند ما در دنیای فیزیکی عمل می‌کنند. او همچنین استدلال می‌کند که حروف اضافه جزئی از یک شبکه گسترده‌تر از ساختارهای مفهومی هستند که معنای آن‌ها تحت تأثیر نقشی است که در یک چارچوب فضایی یا رویدادی خاص ایفا می‌کنند. این اثر بر سیال بودن معنای حروف اضافه تأکید دارد، که بسته به زمینه و مبانی شناختی، می‌تواند تغییر کند.

¹⁵ Embodied

¹⁶ Systematic

¹⁷ Transcription

¹⁸ Transliteration

¹⁹ Taylor

کرافت و کروزر^{۲۰} (2004) در تحلیل خود از ساختارهای نحوی و معنایی به این نکته می‌پردازند که چگونه حروف اضافه می‌توانند به عنوان بازنمایی مدل‌های پیچیده‌تری از شناخت در نظر گرفته شوند که شامل نمابرداری‌ها، حوزه‌ها و نقاط مرجع است. آن‌ها بر تعامل بین محتوای معنایی حروف اضافه و رفتار نحوی آن‌ها تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه دستور شناختی می‌تواند روابط نظام‌مند میان معنای حروف اضافه و ساختار جملات را روشن کند. این ادغام نحوی و معنایی در چارچوب شناختی اهمیت حروف اضافه را در ساختارهای شناختی بزرگ‌تر در درون دستور زبان نشان می‌دهد.

ایوانز و گرین^{۲۱} (2006) چارچوب دستور شناختی را به تحلیل مقایسه‌ای حروف اضافه در زبان‌های مختلف گسترش می‌دهند و نشان می‌دهند که چگونه زبان‌های مختلف روابط فضایی و انتزاعی را از طریق سیستم‌های حروف اضافه خود درک می‌کنند. آن‌ها معتقدند که حروف اضافه تنها واحدهای نحوی نیستند، بلکه با فرآیندهای شناختی مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی پیوند دارند. پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که دستور شناختی ابزار مفیدی برای مقایسه نظام زبانی است و نشان می‌دهد که چگونه حروف اضافه در زبان‌های مختلف بر مبنای ساختارهای شناختی مانند مفاهیم حجم، حرکت یا الگوی مبدا-نگاشت-مقصد^{۲۲} ایجاد می‌شوند. این رویکرد مقایسه‌ای همچنین به عمومیت اصول شناختی در تفسیر حروف اضافه در زبان‌های مختلف اشاره دارد.

علاوه بر این، پژوهش برگن و هیل^{۲۳} (2012) نقش استعاره مفهومی را در بازنمایی شناختی حروف اضافه بررسی می‌کند. آن‌ها نشان می‌دهند که چگونه در زبان انگلیسی حروف اضافه «in, on, under» از معانی فضایی پایه خود به حوزه‌های انتزاعی‌تر گسترش می‌یابند. به گفته برگن و هیل، استعاره‌های مفهومی زیر ساختارهای معنایی حروف اضافه، به طور طبیعی از تجربیات بدنی که شناخت انسان را شکل می‌دهند، به وجود می‌آیند. آن‌ها استدلال می‌کنند که این استفاده استعاره‌ای تصادفی نیست، بلکه به طور طبیعی از تجربیات بدنی نشأت می‌گیرد که ساختارهای شناختی ما را شکل می‌دهند.

در زبان اسپانیایی، رومرو^{۲۴} (2013) نشان می‌دهد که حروف اضافه‌ای مانند «en» و «sobre» در کاربردهای مجازی و استعاره‌ای، نسبت به معانی فضایی‌شان معانی پیچیده‌تری پیدا می‌کنند. رومرو استدلال می‌کند که این تغییرات معنایی ناشی از انعطاف‌پذیری شناختی در پردازش زبان است که در آن زبان‌آموزان از تجربیات بدنی و فضایی‌شان برای ایجاد مفاهیم انتزاعی استفاده می‌کنند.

در زبان فرانسه، ژاکوب^{۲۵} (2015) نشان داده است که حروف اضافه «à» و «dans» در ارتباط با توصیف مکان‌ها و زمان‌ها، مفاهیم مجازی پیچیده‌ای را نیز منتقل می‌کنند. ژاکوب بر این باور است که این حروف اضافه نه تنها روابط فضایی، بلکه روابط ذهنی و اجتماعی را نیز بازنمایی می‌کنند. در این پژوهش، فرآیندهای شناختی که در پس‌زمینه ساختارهای نحوی و معنایی زبان فرانسه قرار دارند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

²⁰ Croft & Cruse

²¹ Evans & Green

²² Source-Map-Goal

²³ Bergen & Hill

²⁴ Romero

²⁵ Jacob

در زبان عربی، سلیمان^{۲۶} (2017) نشان داده است که حروف اضافه می‌توانند تغییرات معنایی قابل توجهی در موقعیت‌های مختلف ایجاد کنند. او نشان می‌دهد که در زبان عربی، حروف اضافه به طور مستقیم با مفهوم‌هایی مانند تأثیر، مکان و زمان پیوند دارند و در موقعیت‌های مختلف می‌توانند معانی مختلفی را ایجاد کنند. این تغییرات به طور خاص به دقت در درک نحوی و معنایی زبان عربی و فرآیندهای شناختی پشت آن‌ها پرداخته شده است.

لی و تانگ^{۲۷} (2018) به تحلیل استفاده از حروف اضافه «Zài/در» و «Shàng/بالا» زبان چینی پرداخته‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند که این حروف اضافه می‌توانند علاوه بر مفاهیم مکانی، روابط مفهومی حالات و موقعیت‌های اجتماعی را نیز بیان کنند. از منظر دستور شناختی، این حروف اضافه به تجربیات فردی و ادراکی سخنگویان زبان چینی وابسته‌اند.

در زبان ژاپنی، یوکوهاما و تاکاهاشی^{۲۸} (2020) به بررسی استفاده از حروف اضافه «ni/به» و «de/در» پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که در ژاپنی، حروف اضافه علاوه بر اشاره به مکان، می‌توانند روابط زمانی و علت و معلولی را نیز بیان کنند. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که چگونه حروف اضافه می‌توانند به صورت استعاری برای بیان مفاهیم پیچیده‌تر مانند مالکیت یا هویت نیز استفاده شوند.

از پژوهش‌هایی که پیرامون حروف اضافه در زبان فارسی صورت پذیرفته است می‌توان به استاجی (۱۳۸۶) اشاره کرد. او با تکیه بر مفهوم دستوری شدن، به چگونگی پیدایش حروف اضافه از نام اندام‌های بدن می‌پردازد. رضایی و سعیدی (۱۳۹۴)، راسخ مهند و کیانی (۱۳۹۶)، رضایی و مکارمی (۱۴۰۲)، و مختاری و رضایی (۱۳۹۲)، نظری و دیگران (انتشار آنلاین) نیز همگی از زاویه دیدی غیر شناختی به مسئله حرف اضافه پرداخته‌اند و تنها دو مورد اخیر از دید معنی‌شناسی شناختی به ترتیب به حرف اضافه «به» و «در» در فارسی نو پرداخته‌اند. تا جایی که نگارندگان پژوهش حاضر اطلاع دارند، پژوهشی پیرامون مفهوم حرف اضافه /pad/ در فارسی میانه از دید دستور شناختی صورت نپذیرفته است

۲-۲- مبانی نظری

بر پایه دستور شناختی، مقوله‌های دستوری شامل «چیزها و رابطه‌ها»^{۲۹} می‌شوند. در این دستور، «چیز» هستار^{۳۰} است که موجودیتی خودایستا و ثابت دارد و اتفاقی که بین «چیزها» می‌افتد، رابطه نام دارد (Langacker, 2008: 94-95). رابطه‌ها خود باتوجه به این که آیا مفهوم زمان در آن‌ها نماینداری^{۳۱} می‌شود یا نه به دو دسته زمان‌مند و غیر زمان‌مند^{۳۲} تقسیم می‌شوند. رابطه‌های زمان‌مند شامل فعل، و رابطه‌های غیر زمان‌مند شامل صفت، صفت مفعولی، قید، و حرف اضافه می‌شوند. نمودار زیر هستارها را در دستور شناختی نشان می‌دهد:

²⁶ Suleiman

²⁷ Li & Tang

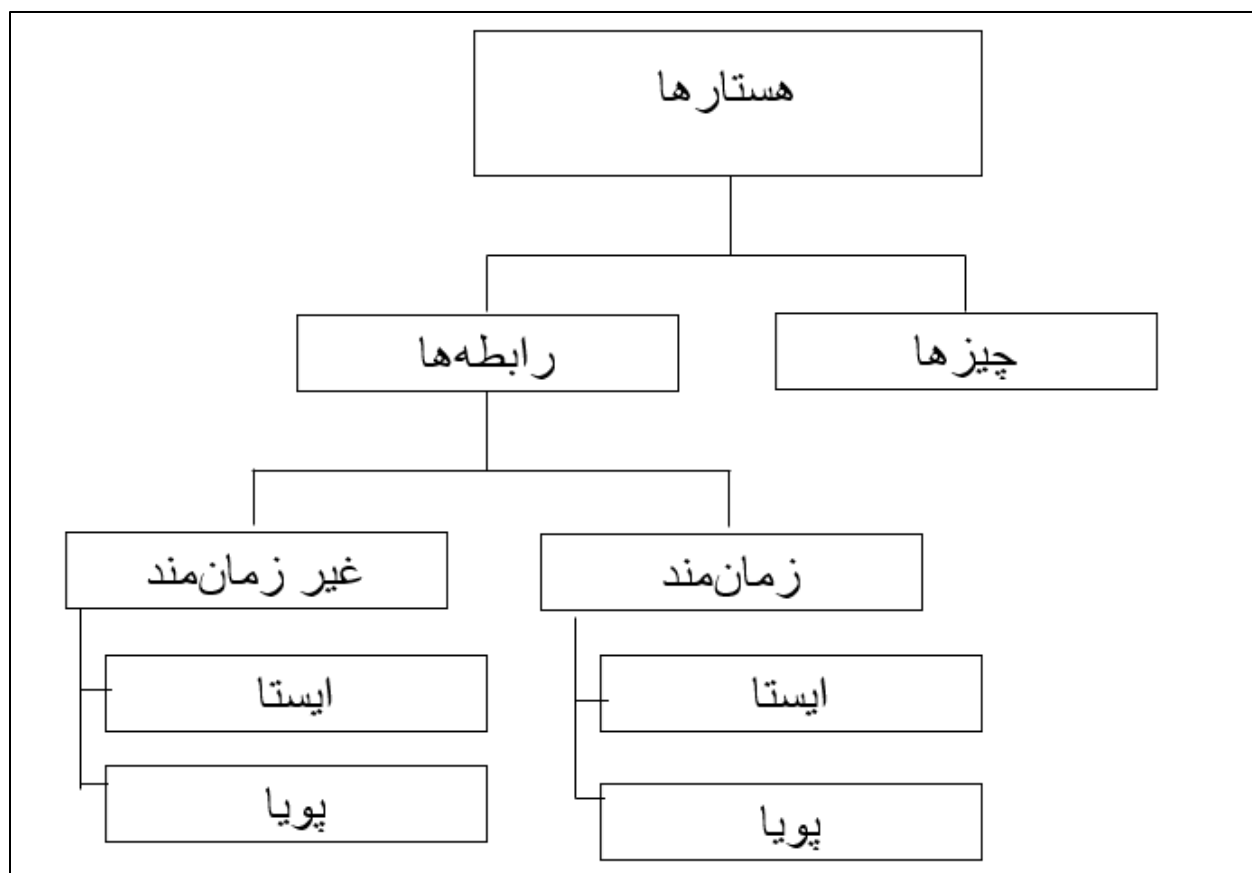
²⁸ Yokohama & Takahashi

²⁹ Things & Relations

³⁰ Entity

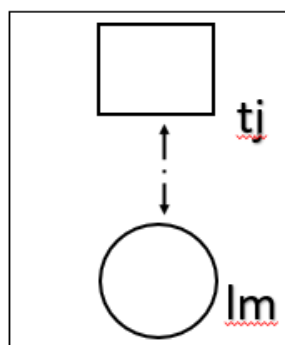
³¹ Profiling

³² Temporal & Atemporal



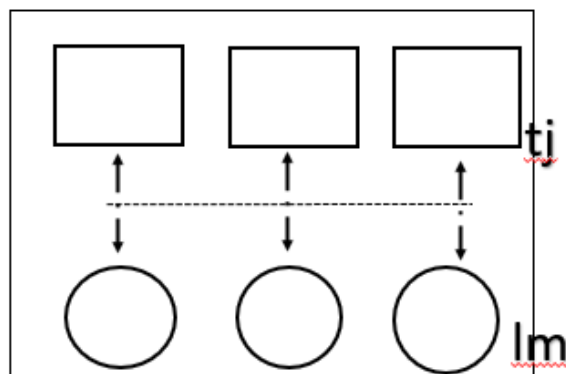
شکل ۱- مقوله‌های دستوری در دستور شناختی

در دستور شناختی، حرف اضافه نمایانگر رابطه‌ای غیر زمان‌مند است که بین یک «چیز» و هستار دیگر برقرار می‌شود. این «چیز» مکان‌نمای رابطه مورد نظر است و نقش متمم حرف اضافه را ایفا می‌کند. برخلاف مقوله صفت و قید، حروف اضافه به ماهیت متحرک بی‌تفاوت هستند؛ یعنی در این رابطه متحرک هستاری است که ممکن است به صورت یک مشارک کانونی رمزگذاری نشود. به بیانی دیگر، در عبارتی مانند «در کلاس» مشخص نیست چه چیزی در کلاس است. بنابراین، مشخصه تمایزدهنده این مقوله، اعطای برجستگی ثانویه به یک «چیز» است، بر این اساس مکان‌نمای حرف اضافه، مفعول حرف اضافه است. نکته مهم و شایان ذکر این است که در دستور شناختی «چیزها» با دایره و سایر «هستارها» با مربع نشان داده می‌شوند. شکل ۲ طر حواره مقوله دستوری حرف اضافه را نشان می‌دهد:



شکل ۲- طرحواره مقوله دستوری حرف اضافه (Langacker, 2013: 116)

گونه دیگری از حروف اضافه وجود دارند که به آن‌ها حروف اضافه پویا می‌گویند. مانند «به سوی»، «در طی»، «از میان» و مانند این‌ها که در آن‌ها تمام نقاط مسیر نماینداری می‌شود. این گونه حروف اضافه را مطابق شکل ۳ نشان می‌دهند:



شکل ۳- طرحواره حروف اضافه پویا (همان)

۲-۲- پیشینه پژوهش

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس رویکردی کمی-کیفی با هدف تحلیل مفاهیم گوناگون حرف اضافه /pad/ در فارسی میانه بر پایه دستور شناختی انجام شده است. برای نیل به این هدف، داده‌های فارسی میانه از سامانه جستجوی پیکره پارس‌یگ^{۳۳} با جستجوی ورودی /pad/ استخراج شده و علاوه بر ذکر فراوانی کاربرد هر یک از آن‌ها، جایگاه متحرک و مکان‌نمایشان نشان داده شده است. بر پایه

³³ <https://www.parsigdatabase.com>

پیکره پارسیگ، حرف اضافه /pad/ ۲۴۵۶ مرتبه به کار رفته است. جدول (۱) وقوع حرف اضافه /pad/ را به تفکیک اثر نشان می‌دهد.

نام اثر	تعداد تکرار
شگفتی‌های سیستان	۱۵
یادگار بزرگمهر	۵۰
بندهشن	۹۴
چیده اندرز پوریوتکیشان	۶۸
دادستان دینی	۵۴
داروی خرسندی	۸
اندرز آذرباد مهرسپندان	۶۴
اندرز بخت آفرید	۷
اندرز دانایان به مزدیسنان	۲۹
اندرز دستوران به بهدینان	۲۸
اندرز خسروقبادان	۲۷
اندرز اوشنر دانا	۶۱
اندرز بهزاد فرخ پیروز	۲۷
اندرز پیشینیان	۱۵
خسروقبادان و ریدگ	۶۵
کارنامه اردشیر پاکان	۹۰
آمدن بهرام ورجاوند	۱۰
مادیان سی روزه	۵
ماه فروردین روز خرداد	۲۲
مینوی خرد	۴۷۳

۲	نیرنگ زهر بستن
۱۲	بنیان کار گیتی
۸	پنج خیم روحانیان
۲۳	قطعات جاماسب آسنا
۲۲	پیمان کدخدایی
۳۶	شهرستان‌های ایران
۲	سخنی چند از فرخزادان
۲۸۰	شایست نشایست
۳۰	سور سخن
۵۸۶	گزیده‌های زاداسپرم
۳۳	خیم و خرد فرخ مرد
۱۵۵	زند بهمن یسن
۲۴۵۶	مجموع

جدول ۱- تعداد وقوع /pad/ در فارسی میانه

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، ابتدا معانی حرف اضافه /pad/ در فارسی میانه نشان داده شده است و سپس با ذکر نمونه و نمایش شمای طرحواره‌ای آن‌ها، تحلیل داده‌های مربوط انجام شده است. لازم به ذکر است که در این نمونه‌ها به ترتیب ابتدا نام منبع، سپس آوانگاری نمونه، و سرانجام ترجمه‌ای که خود پیکره به صورت برخط منتشر کرده است نشان داده می‌شود.

۴-۱- معنای نخست: در /توی

نخستین معنای /pad/، مفهوم «در/توی» است که می‌توان طرحواره نمود این حرف اضافه را که در نمونه‌های زیر نیز آمده بدین‌صورت نشان داد:

شگفتی‌های سیستان، (Jamasp-Asana 1913:26/9):
(3) <i>nask-ē *duzd-sar-nizad xwānēnd, čiyōn sēn [ud] burz-mihr ī zarduštān pad wirāstagīh ī ān būd ī *windād.</i>
نسکی بود که دزدسرنیزد خوانند که کسانی چون سین و برزمهر زردشتان، که در کار ویراستن آن بودند، یافتند.
خسروবাদان و ریدگ، (Jamasp-Asana 1913: 33):
(4) <i>..... ud pad xwaran ī wuzurg ēč huniyāgīh pahikār nest</i>
... و در مهمانی بزرگ، هیچ خنیاگری رقیب نیست



شکل ۴- نخستین طرحواره حرف اضافه /pad/ در فارسی میانه

شایان ذکر است این مفهوم، امروزه نیز به همین صورت در برخی از گویش‌های خراسان برجای مانده است. مثلاً در گویش مشهدی، یکی از مفاهیم «به»، داخل/توی است (شهریاری راد، ۱۳۹۵: ۵۱):

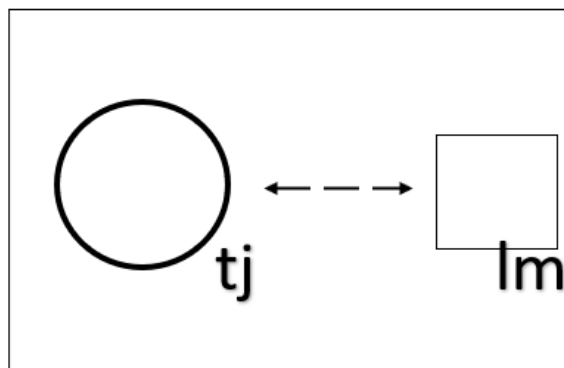
(۵) - علی به کُجِ یه؟ (/ʔali be kodʒe je/): علی کجاست؟

- به خَنه یه. (/be xane je/): در خانه است.

۴-۲ - معنای دوم: همراهی

دومین معنی /pad/ در فارسی میانه، مفهوم همراهی است و طرحواره آن را بدین صورت می‌توان نشان داد:

یادگار بزرگمهر (Jamasp-Asana, 1913: 101):	
(6) frazaft <u>pad</u> drōd	
	پایان یافت با درود.
چیده اندرز پوریوتکیشان (Jamasp-Asana, 1913: 50):	
(7) frazaft <u>pad</u> drōd ud šādīh ud rāmišn	
	پایان یافت با درود و شادی و رامش.



شکل ۵ - دومین طرحواره حرف اضافه /pad/ در فارسی میانه

این کاربرد اگرچه امروزه در محاوره نمودی ندارد، ولی آثار آن در متون ادبی برجای مانده است. واژه‌های «بدرد» به معنای دردمند، «بخرد» به معنای خردمند، «بنام» به معنای معروف و مشهور، و «بنفرین» همگی از این دست هستند (مزدآپور و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۶).

(۸) دو کار است هر دو بنفرین و بد
گزاینده رسمی نو آیین و بد
(شاهنامه فردوسی، ۱۹۶۶: ۲۶۷)

۳-۴- معنای سوم: تحت نظارت

سومین معنای /pad/ مفهوم «به» در عبارت «به نام یزدان» است که در آغاز تمام متون فارسی میانه آمده است. نگارندگان بر این باورند که اگر چه این حرف اضافه به ظاهر معنای همراهی (مفهوم «با») را می‌دهد ولی این گونه نیست؛ چرا که همیشه در فرهنگ ایرانی مفهوم «خدا/یزدان» در جایگاهی بالاتر و برتر از انسان است و نه در کنار او (ن.ک Mansouri (2011); Farridnejad (2023)). تصویر زیر، دال بر این مدعا است:

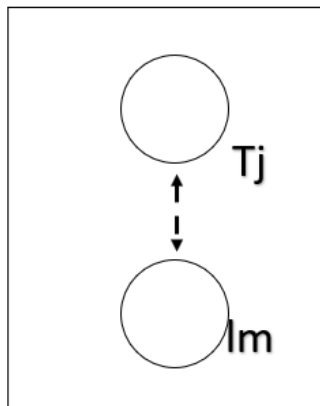


شکل ۶- جایگاه اهورامزدا

بنابراین مفهوم عبارت /pad nām ī yazadān/، تحت نظارت خدا است و نه به همراه خدا. علاوه بر این، همانگونه که در نمونه ۱۰ نیز مشاهده می‌شود، چیزی روی چیز دیگری قرار گرفته است؛ پس سومین مفهوم، طرحواره «بالا-پایین بودن» را دارد که به صورت ذیل می‌توان آن را نشان داد:

در آغاز تمام متون فارسی میانه:
(9) pad nām ī yazadān.
به نام یزدان.

بنیان کار گیتی (Jamašp-Asana, 1913: 82):
(10) ēn-iz *gōwēnd kū tis gētīg pad wīst [ud] panj bahr nihād ēstēd panj pad baxt panj pad kunišn panj pad xōg ud panj pad gōhr ud panj pad abarmānd
این نیز گویند که کار گیتی بر بیست و پنج بهر (=بخش) نهاده شده است، پنج بر بخت، پنج بر کنش، پنج بر خوی، پنج بر گوهر، پنج بر وراثت.



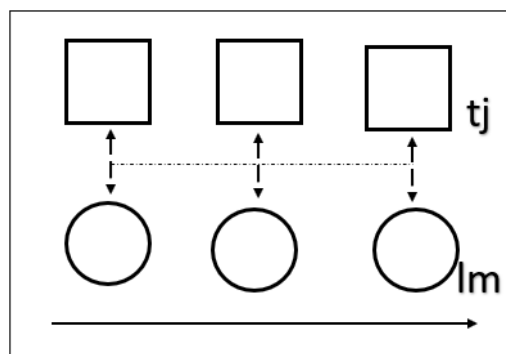
شکل ۷- سومین طرحواره حرف اضافه /pad/ در فارسی میانه

۴-۴- معنای چهارم: از طریق

همان گونه که از داده‌های (۱۱) و (۱۲) مشخص است، معنای چهارم /pad/، «از طریق» است. بر پایه دستور شناختی، این حرف اضافه در فارسی زیرمجموعه حروف اضافه پویا قرار می‌گیرند (بهرامی خورشید، ۱۴۰۳: ۱۱۸). از آنجا که در این گونه حروف اضافه،

متحرک یک «چیز»^{۳۴} نیست ولی مکان نما یک «چیز» است، به ترتیب آن‌ها را با مربع و دایره نشان می‌دهیم^{۳۵}. پیکان نیز نمایانگر گذشت زمان است:

دادستان دینی (Anklesaria 1958: 74/10):
(11) ... kū mardān ī huwaršt-warzīdārān, ēg-išān paydāgīh bawēd <u>pad</u> frazandān.
... که مردان نیکی‌ورزیدار، از طریق فرزندان‌شان شناخته می‌شوند
مینوی خرد (8: 1913): (Anklesaria, 1913: 8):
(12) ud ēn-iz dānist kū hamāg kār ud kirbag ud kunišn ī frārōn <u>pad</u> nērōg ī xrad ō xwēš šāyēd kardan
و این را دانست که همه کارهای نیک و اعمال خوب را از طریق نیروی خرد می‌توان از آن خود کرد.



شکل ۸- چهارمین طرحواره حرف اضافه /pad/ در فارسی میانه

۵-۴- معنای پنجم: زنجیره کنش

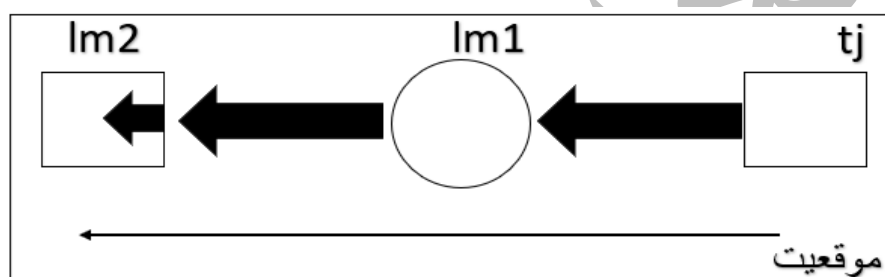
پنجمین و آخرین مفهوم /pad/ که در متون فارسی میانه آمده است، فقط به صورت تکواژ ناپیوسته به همراه حرف اضافه پسین **لس** با آوانگاری «/rāy/» و حرف نویسی «l'd» به صورت «rāy + معلول + pad» به کار رفته است و امروزه به ریخت «برای» درآمده است (حسن دوست، ۱۳۹۹: ۴۳۳). از آنجا که /rāy/ در فارسی میانه و نیز پیشتر در فارسی باستان بیانگر علت بوده است (Horn, 1893: 600; Kent, 1953: 205) بنابراین به زعم نگارندگان پژوهش حاضر، طرحواره این مفهوم، از نوع زنجیره کنش است. در

³⁴ thing

³⁵ «چیز» در دستور شناختی، اصطلاحی کاملاً تکنیکی است که ویژگی طرحواره ای دارد و مجموعه ای از هستارهای به هم مرتبط است که در سطح بالاتری از مفهوم سازی همچون یک هستار یکپارچه یا گشتالت عمل می‌کند. در دستور شناختی چیزها را با دایره و غیر چیزها را با مربع نشان می‌دهیم (الانگاکر، ۲۰۱۳: ۱۰۶)

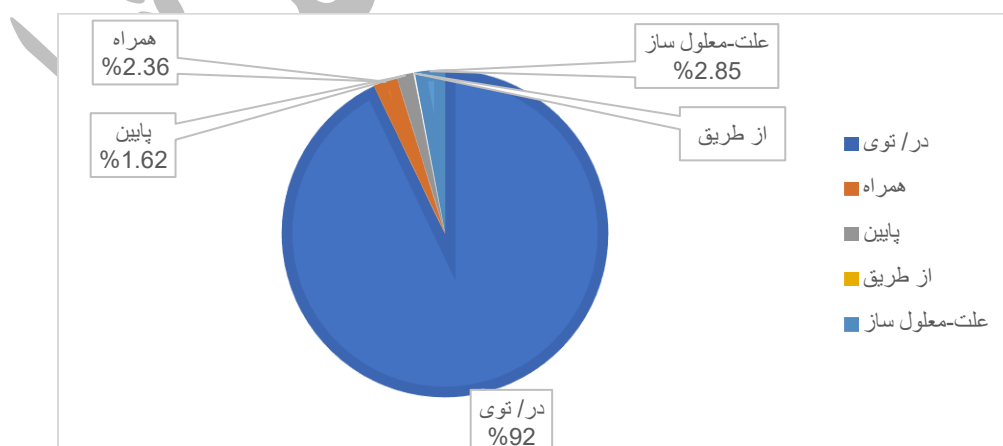
دستور شناختی، زنجیره کنش نشان‌دهنده ادراک ما از چگونگی ساختاربندی رویدادها و کنش‌ها در جهان خارج است (Radden & Dirven, 2007). این بدین معنی است که به ترتیب /pad/ متحرک (tj)، معلول مکان‌نمای اول (lm1)، و /rāy/ مکان‌نمای دوم (lm2) آن است:

گزیده‌های زاداسپریم (Anklesaria1964:150/9):
(13) ān hamē pad zamīg winārdag būdan rāy,
برای برقراری آن در زمین،
مینوی خرد (Anklesaria1913:150/9):
(14) ... ud meh-ōzīh pad zōr ī xrad rāy abērtar kunīhēnd....
... و برای پرنیروی و زور خرد بیشتر انجام می‌گیرد...



شکل ۹- پنجمین طرحواره حرف اضافه /pad/ در فارسی میانه

نمودار ۱، فراوانی کاربرد هر کدام از مفاهیم /pad/ را در کلیه متون فارسی میانه نشان می‌دهد:



نمودار ۱- فراوانی کاربرد مفاهیم گوناگون /pad/ در فارسی میانه

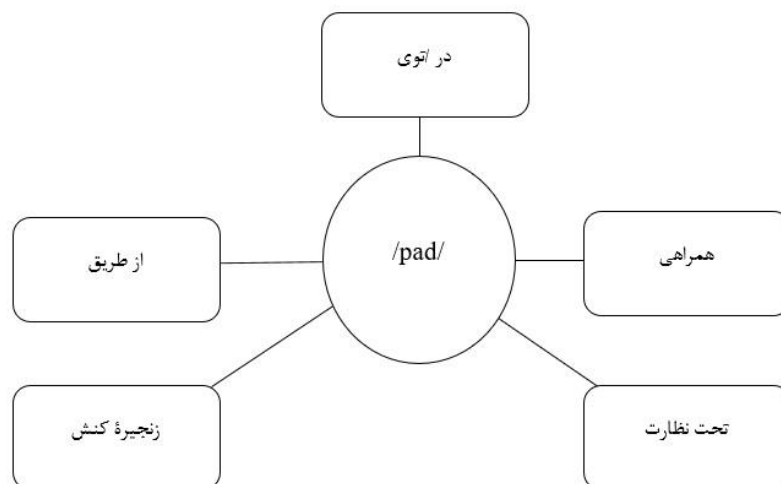
نتایج به دست آمده از تحلیل حرف اضافه /pad/ در فارسی میانه در چارچوب دستور شناختی نشان داد که این عنصر زبانی دارای پنج مفهوم طرحواره‌ای اصلی است: «در/توی» (بیشترین کاربرد)، «همراهی»، «پایین بودن»، «از طریق»، و «علت-معلول» (کمترین کاربرد). این معانی نشان‌دهنده وجود شبکه‌ای از چندمعنایی پویا در ذهن گویشوران فارسی میانه است که بر مبنای تجربه‌های بدنی و فضایی انسان شکل گرفته‌اند. در این چارچوب، /pad/ نقشی کلیدی در رمزگذاری روابط مکانی، تجربی و علی ایفا می‌کند و ساختار آن از منظر شناختی با نظام‌های حروف اضافه در زبان‌های کهن هندواروپایی هم‌خوانی دارد:

برای نمونه، مقایسه با زبان یونانی باستان شباهت‌های چشمگیری را نشان می‌دهد. حرف اضافه «ἐν/en» به معنای «در» همانند نخستین معنای /pad/ فارسی میانه، طرحواره حجم یا محاط را بازنمایی می‌کند؛ چه در معنای مکانی، چه در مفاهیم انتزاعی (Luraghi, 2003). همچنین حرف اضافه «σύν/syn» به معنای «با» به‌مرور زمان به معنای استعاری همکاری یا پیوند نیز گسترش یافته است (همان). این تحول معنایی مشابه با گسترش مفهومی /pad/ از روابط مکانی به روابط اجتماعی و ذهنی در فارسی میانه است و نشان می‌دهد که انگیزش شناختی مشترکی بر پایه تجربه‌های بدنی در پس گسترش معنایی حروف اضافه وجود دارد.

در زبان سنسکریت نیز حرف اضافه /upa-/ از لحاظ معناشناختی به /pad/ نزدیک است. واژه /upa/ در اصل به معنای «نزد» به سوی» بوده و سپس در مسیری استعاری و علی به کار رفته است؛ مانند /upadisati/ به معنای «آموزش دادن» (در اصل: «سخن گفتن به سوی» (Jamison & Witzel, 1992).

به نظر می‌رسد دگرگونی مذکور، نتیجه‌ای از فرآیند مفهوم‌سازی مجاورت فضایی به روابط دانشی و اجتماعی باشد. کاربرد /pad/ در ساخت ترکیبی /rāy + ... + pad/ (به معنای «برای») نیز همین مسیر شناختی را از مفهوم فضایی «به سوی» تا مفهوم علی «به‌خاطر» طی کرده است که نشان از میراث مشترک هندواروپایی در ساختاردهی مفاهیم است.

در زبان لاتین نیز، دو حرف اضافه /ad/ («به، به سوی») و /kum/ («با») از نظر تاریخی مسیرهایی مشابه طی کرده‌اند. طبق تحلیل پینکستر^{۳۶} (2015)، /ad/ از معنای مکانی «به سوی» به معنای هدف و غایت گسترش یافته است. این تحول با کارکرد علی /pad/ در فارسی میانه مشابهت دارد. از سوی دیگر، /kum/ با عملکرد همراهی، مفهوم دوم /pad/ یعنی «با» را تداعی می‌کند؛ چنان‌که در ترکیب /frazaf pad drōd ud šādih/ نیز مفهوم همراهی دیده می‌شود. چنین الگویی نشان می‌دهد که چندمعنایی /pad/ در راستای روندهای معناشناختی رایج در زبان‌های کهن هندواروپایی قرار دارد.



شکل ۱۰- شبکه معنایی /pad/ در فارس میانه

منابع

- استاجی، ا. (۱۳۸۶). پیدایش حروف اضافه از نام اندام های بدن. نامه فرهنگستان، ۳(۳) (ویژه نامه دستور)، ۴۰-۵۱. SID. <https://sid.ir/paper/87876/fa>
- بهرامی خورشید، س. (۱۴۰۳). دستور شناختی: مبانی نظری و کاربردی آن در زبان فارسی. تهران: انتشارات سمت.
- حسن دوست، م. (۱۳۹۹). فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی. تهران: انتشارات ماهریس.
- راسخ مهند، م؛ کیانی، پ. (۱۳۹۶). توالی گروه های حرف اضافه ای در زبان فارسی، نشریه پژوهش های زبان شناسی تطبیقی، ۷(۱۳)، ۴۱-۱۳.
- رضایی، و؛ سعیدی، ه. (۱۳۹۴). گروه های حرف اضافه ای در زبان فارسی: یک بررسی نقشگرا، نشریه زبان شناخت، ۶(۱۱)، ۱۱۹-۱۴۲.
- رضایی، و؛ مکارمی، ژ. (۱۴۰۳). بررسی تناوب مفعول- موضوع حرف اضافه ای در طبقات نوع عمل، نشریه پژوهش های زبانی، ۲(۱۴)، ۷۷-۵۵.
- شاهنامه فردوسی (چاپ مسکو) (۱۹۶۶). ج ۶. تحت نظر ی.آ. برتلس. مسکو: انتشارات آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی.
- شهریاری راد، پ. (۱۳۹۵). بررسی گویش مشهدی. تهران: انتشارات کتابدار.
- مختاری، ش؛ رضایی، ح. (۱۳۹۲). بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی. زبان شناسی و گویش های خراسان، ۵(۹)، ۷۳-۹۴.

مزداپور، ک؛ وزوایی، ف؛ حسنی مهمویی، ف. (۱۳۹۶). *پهلوی آسان: آموزش فارسی میانه ساسانی*. تهران: انتشارات اساطیر.

نظری انارستانی، ر؛ ایزانلو، ع؛ علیزاده، ع. (انتشار آنلاین). هندسه فضایی کاربردهای فیزیکی مختلف حرف اضافه «در» در زبان فارسی معاصر از منظر زبانشناسی شناختی. *جستارهای زبانی*.

Bergen, B. K., & Hill, N. A. (2012). *Embodied construction grammar in simulation-based language understanding*. In J. H. Sinclair & H. O. Hinton (Eds.), *Cognitive models in language and thought: Ideology, metaphor, and meaning* (pp. 102-126). Cambridge University Press.

Bybee, J. L.; Perkins, R.D.; Pagliuca, W. (1994). *The evolution of grammar: tense, aspect, and modality in the languages of the world*. University of Chicago Press.

Croft, W., & Cruse, D. A. (2004). *Cognitive linguistics*. Cambridge University Press.

Evans, V., & Green, M. (2006). *Cognitive linguistics: An introduction*. Lawrence Erlbaum Associates.

Habibi, N., & Farridnejad, S. (2023). The Sacred King in the Shah Tahmasp Shahnama: The Tree as a Generative Idea of the "Idea of Kingship". *Manazir Journal*, 5, 100-124. <https://doi.org/10.36950/manazir.2023.5.6>

Horn, p. (1893). *Grundriss der neupersischen Etymologie*. Strassburg.

Jacob, S. (2015). *Cognitive grammar and semantic relations in French*. Sorbonne University Press.

Jamison, S. W., & Witzel, M. (1992). *Vedic Hinduism*. Harvard University Press.

Johnson, M. (1987). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination, and Reason*. University of Chicago Press.

Kent, R.G. (1953). *Old Persian, Grammar, Texts, Lexicon*. New Haven.

Lakoff, G., & Johnson, M. (1999). *Philosophy in the Flesh: The Embodied Mind and Its Challenge to Western Thought*. Basic Books.

Langacker, R.W (1991). *Foundations of Cognitive Grammar*, vol. II, Stanford University Press.

Langacker, R.W (2008). *Cognitive Grammar: A Basic Introduction*. Oxford University Press.

Langacker, R.W (2013). *Essentials of Cognitive Grammar*. Oxford University Press.

Li, S., & Tang, J. (2018). *Cognitive grammar in Chinese: A study of prepositions*. Peking University Press.

Luraghi, S. (2003). *On the Meaning of Prepositions and Cases: The Expression of Semantic Roles in Ancient Greek*. John Benjamins.

Mansouri, S. (2011). Introduction/Iranian Landscape: High Sanctity. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 3(14), 5-5.

Palmer, G. B. (1996). *Toward a theory of cultural linguistics*. University of Texas Press.

Pinkster, H. (2015). *The Oxford Latin Syntax: Volume 1: The Simple Clause*. Oxford University Press.

Radden, G.; Dirven, R. (2007). *Cognitive English Grammar*. John Benjamins.

Romero, E. (2013). *A cognitive grammar analysis of prepositions in Spanish*. Barcelona University Press.

Suleiman, F. (2017). *Cognitive grammar analysis of prepositions in Arabic*. Cairo University Press.

Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics*. Cambridge, MA: MIT Press.

Taylor, J. R. (2002). *Cognitive grammar and English grammar*. Oxford University Press.

Yokohama, K., & Takahashi, H. (2020). *Cognitive grammar of prepositions in Japanese: Metaphor and temporal-spatial meanings*. Kyushu University Press.

Online Reference

Parsig Database. (2025). Parsigdatabase.com. <https://www.parsigdatabase.com/?lang=fa>